

فصلنامه پژوهش‌های مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی

Journal of Humanities and
Islamic Strategic Studies

سال پنجم، شماره ۵۹، زمستان ۱۴۰۲، صص ۴۴-۲۱
Vol 5, No 59, 2024, P 21-44

شماره شاپا (۲۵۳۸-۴۳۱۷) ISSN (2538-4317)

واکاوی مسئولیت مطلق در تخریب محیط زیست از دیدگاه فقهی و حقوقی

مهدی صالحی^۱، سیاوش علی‌نیا^۲

۱. استادیار گروه الهیات و حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، ایران

Mahdi.s1032@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد رشته جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، ایران

چکیده

آلودگی و تخریب محیط زیست و خسارات ناشی از آن، یکی از معضلات اساسی جوامع صنعتی و شهری امروز و یکی از اصلی‌ترین موضوعاتی است که در حقوق محیط زیست به آن پرداخته می‌شود. لذا با توجه به لزوم پیگیری کیفی و جبران هر نوع ضرر و زیان در اکثر نظام‌های حقوقی، مطالعه و ارزیابی و بحث از جرایم ناشی از خسارات زیست محیطی از جایگاه ویژه‌ای در علم حقوق برخوردار می‌باشد. بر این اساس، تلاش بر این است که مبنای این جرایم با نگاه بر دیدگاه‌های حقوق ایران مورد تبیین و تشریح و واکاوی قرار گرفته و مبنایی مناسب برای این مسئولیت یافت گردد. چرا که، جرم‌انگاری تخریب محیط زیست نسبت به تکلیف عمومی حفاظت از محیط زیست و جبران خسارات ناشی از آلودگی‌های زیست محیطی بیگانه نیست ولی قواعد مرسوم آن در پاسخ‌گویی به این موضوع و منافع و حقوق عمومی کارآمد نیست. بدین لحاظ، قوانین خاصی در حقوق کشورهای مختلف در رابطه با جرایم زیست محیطی پیش‌بینی شده است که از مهم‌ترین دستاوردهای قانون‌گذاری جدید در سطح جهانی، تغییر مبنای مسئولیت مدنی در این زمینه است که اصولاً آن را تابع مسئولیت بدون اثبات تقصیر قرار داده‌اند که از جمله می‌توان به دستورالعمل ۲۰۰۴ پارلمان و شورای اروپا در این خصوص اشاره نمود که بر طبق آن، دولت‌های عضو ملزم شده‌اند تا قواعد آمرانه‌ی آن را به قانون ملی خود وارد کنند.



اما مطالعات انجام شده در حقوق ایران نشان می‌دهد که، با وجود این که اصل اولیه‌ی مورد پذیرش برای مبنای مسئولیت مدنی، مسئولیت مبتنی بر تقصیر است، ولی این مسئولیت پاسخ‌گوی نیازهای جامعه‌ی امروزی در خصوص جبران خسارت وارده بر محیط زیست نمی‌باشد؛ لذا با استمداد از اصول و قواعد فقهی و کمک جستن از قوانین و مقررات همانند اصل پنجاهم قانون اساسی و هم چنین از طریق تفسیر قوانین خاص زیست محیطی می‌توان مسئولیت بدون اثبات تقصیر را به عنوان مبنایی مناسب برای مسئولیت مدنی زیست محیطی پذیرفت.

واژه‌های کلیدی: محیط زیست، جرم تخریب، مجرم و مجازات، جبران زیان، حقوق ایران.

مقدمه

محیط زیست در دو مفهوم به کار برده می‌شود یکی مفهومی که از علوم طبیعت ناشی می‌شود و تحت معرفی شده و دیگری در تعامل با ساز و کارهای انسانی است که با عنوان «محیط زیست طبیعی» عنوان از آن نام برده می‌شود. «محیط زیست انسانی» بنابه تعریف برنامه کاری مبارزه با جرایم زیست محیطی سازمان بین‌المللی پلیس جنایی، جرایم زیست محیطی عبارتند از نقض قوانین زیست محیطی بین‌المللی، ملی و یا توافقنامه‌هایی که برای اطمینان از حفاظت و ثبات محیط جهان، منابع زیستی و طبیعی وضع گردیده‌اند. به نظر حقوقدانان یکی از مصادیق جرایم سازمان یافته فراملی جرایم علیه محیط زیست می‌باشد. به طور کلی جرائم زیست محیطی را با توجه به ماهیتشان به دو گروه عمده تقسیم‌بندی می‌کنند:

الف) جرائم ارتكابی نسبت به جاندار محیط زیست به غیر از انسان که شامل همه جانداران گیاهی و حیوانی می‌شود.

ب) جرائم ارتكابی نسبت به عناصر بی‌جان محیط زیست از قبیل آب و هوا، خاک، صدا و آلودگی‌های شیمیایی و ریختن زباله.

بر اساس کنوانسیون پالرمو مصوب ۲۰۰۰ میلادی، جرایم فراملی جرایمی هستند که توسط گروهی که متشکل از سه نفر یا بیشتر باشد ارتکاب می‌یابند، جنایت ارتكابی فراملی می‌باشد، فعالی گروه برای مدتی استمرار داشته باشد و انگیزه نهایی تحصیل منافع مادی باشد.

قانون اساسی در اصل پنجاهم به جایگاه ویژه محیط زیست اشاره کرده است که حفظ محیط زیست به عنوان یک وظیفه عمومی بیان شده است. بررسی سابقه قانون‌گذاری در خصوص مسائل زیست محیطی در کشورها حاکی از آن است که نخستین قوانین و مقررات مرتبط مانند مواد ۱۷۹ و ۱۸۹ قانون مدنی مصوب (۱۸/۰۲/۱۳۰۷) و قانون شکار مصوب (۴/۱۲/۱۳۳۵) جنگل‌ها و مراتع مصوب سال ۱۳۳۸ می‌باشد؛ این قانون با پیش‌بینی تأسیس سازمانی با عنوان سازمان جنگلبانی ایران کار مراقبت و حفاظت از جنگل‌ها و مراتع را برعهده آن قرار می‌دهد از نکات جالب توجه در این قانون توجه به اصول فنی و علمی در بهره‌برداری (۱۳۴۶) صرفاً در ارتباط با محیط ۳/ برداری از جنگل‌ها و مراتع است. قانون شکار و صید مصوب



(۱۶/۰۳/۱۳۴۶) صرفاً در ارتباط با محیط زیست طبیعی بوده است. اولین قانون جامع در خصوص همه ابعاد محیط زیست که تغییرات ساختار تشکیلات سازمان حفاظت محیط زیست را نیز در پی داشت قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست (۲۸/۰۳/۱۳۵۳) به تصویب رسید. در قانون برنامه اول توسعه نیز، جهت جلوگیری از آلودگی محیط زیست و جبران خسارت وارده راهکار خاصی در قالب تبصره ۱۳ این قانون لحاظ شده است. به طوریکه یک در هزار در آمد حاصل از فروش تولیدات کارخانجات و کارگاه‌های کشور به این امر اختصاص یافته و با توجه به اهمیت موضوع با پایان مدت اعتبار قانون اول توسعه، موضوع در بند (د) ماده ۴۵ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و معرف آن در موارد معین تکرار شده است. تجاوز به محیط زیست مفهومی عام است و ممکن است در هر یک از موارد زیر به کار رود و هر یک از اعمال زیر به نوعی تجاوز تلقی می‌شوند:

- ۱- تخریب (م ۶۸۷ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۵)
 - ۲- اخلال (ماده ۶۲ قانون آب و نحوه ملی شدن آن مصوب ۱۳۴۷)
 - ۳- استفاده غیرمجاز
 - ۴- سرقت (ماده ۶۵۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵)
 - ۵- تصرف (م ۱۳۴ ق.م.ا مصوب ۱۳۶۲)
 - ۶- بهره‌گیری خودسرانه (لایحه قانونی راجع به تعقیب اشخاصی که بدون مجوز قانونی به منظور بهره‌گیری از آب و برق تأسیسات وزارت نیرو اقدام می‌نمایند بوسیله دادستانی کل انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۵۸)
 - ۷- دخالت غیرقانونی (ماده ۱ لایحه قانونی رفع تجاوز از تأسیسات آب و برق کشور مصوب ۱۳۵۹)
 - ۸- دخالت غیرمجاز
- حمایت از محیط زیست مستلزم تقنین مقررات قاطع و سیاست جنایی پویایی می‌باشد؛ به طوری که قوانین و سیاست جنایی مشخص از رفتارهای زیان‌آور به محیط زیست جلوگیری می‌نماید. سیاست جنایی تدابیری است که اجتماع در رویارویی با پدیده بزهکاری اعم از پیشگیری یا سزادهی اتخاذ می‌نماید. سیاست جنایی به چهار قسم تقنینی، قضایی، مشارکتی و اجرایی تقسیم می‌شود. کشور ایران قائل به یک سیاست جنایی جامع و آیین دادرسی مشخص در ارتباط با جرایم محیط زیست است.
- پیشگیری و جبران خسارات وارده بر محیط زیست:** این عنوان شرایطی را تعیین می‌نماید که براساس آنها اجرای اصل پرداخت توسط آلوده ساز و هزینه‌های معقول برای جامعه و خسارات وارده بر محیط زیست بر اثر فعالیت بهره‌برداران را جلوگیری و جبران می‌نماید.
- بهره‌بردار به معنای کلیه اشخاص حقیقی یا حقوقی، عمومی یا خصوصی اطلاق می‌شود که به گونه‌ای موثر در زمینه‌های شغلی، فعالیت اقتصادی، انتفاعی یا غیرانتفاعی کنترل یا فعالیت می‌نماید.



پیشینه پژوهش

پارسا و علیزاده نجد (۱۳۹۶) در پژوهشی در قالب مقاله (دومین همایش ملی و تخصصی پژوهشهای محیط زیست ایران. انجمن ارزیابان محیط زیست هگمتانه) با عنوان چالش‌های حقوق کیفری ایران در راستای حفاظت از محیط زیست این گونه نتیجه‌گیری کرده‌اند که: محیط زیست شرایط بیرونی است که بر زندگی موجودات اثر می‌گذارد با توجه به فعالیت‌های گسترده انسانها برای دستیابی به زندگی بهتر باتکنولوژی و رفاه بیشتر طی سالیان عناصر اصلی محیط زیست یعنی آب خاک و هوا و... با آلودگی شدید مواجه شده است این آلودگی در نهایت به خود انسانها بازمی‌گردد بنابراین لازم است برای جلوگیری از آلودگی بیشتر و حمایت از محیط زیست اقدامات لازم صورت گیرد یکی از این اقدامات دخالت حقوق کیفری و قانونگذاری برای حمایت از محیط زیست است.

صفایی (۱۳۹۵) در پایان‌نامه خود با موضوع مسئولیت مدنی ناشی از ایراد خسارات بر محیط زیست اینگونه نتیجه‌گیری کرده‌اند که: موضوع حمایت از محیط زیست در جهت منافع بشری و از بین بردن آثار مخرب فعالیت‌های صنعتی تبدیل به مسأله‌ای جدی در جهان معاصر گردیده است و بشریت را مورد تهدید قرار داده است. برای مقابله با این تهدید نیاز به اقدامی قاطع از طریق اتخاذ تدابیر مناسب دارد.

رویه عملی محاکم ایران براساس مسئولیت مبتنی بر تقصیر است و آنچنان که شایسته است پاسخگوی این همه آلودگی و تخریب و جبران خسارت وارد بر محیط زیست نمی‌باشد لذا با توجه به لزوم جبران خسارات وارده بر محیط زیست و مسئولیت مدنی ناشی از آن، که از جایگاه ویژه‌ای در علم حقوق برخوردار است. در این پژوهش تلاش بر این است که مبنای این مسئولیت با نگاه بر دیدگاه‌های فقه و حقوق ایران مورد تبیین و تشریح و واکاوی قرار گرفته و مبنای مناسب برای این مسئولیت یافت گردد.

سمانه طحان‌پور و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش خود در قالب پایان‌نامه به موضوع جرم‌انگاری تخریب محیط زیست در حقوق بین‌الملل پرداخته و اینگونه نتیجه‌گیری شده است که: در حال حاضر تنها ابزار موثر در حمایت از محیط زیست در مقابل اقدامات مخرب افراد و دولت‌ها حمایت کیفری موثر از این منبع حیاتی بشر است. این تحقیق سعی دارد تا با بررسی کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی در زمینه محیط زیست، چه به صورت منطقه‌ای و چه بین‌المللی، گرایش جامعه‌ی جهانی برای جرم‌انگاری نقض‌ها و تخریب‌های زیست محیطی را نشان دهد و روشن سازد که در زمان صلح و جنگ چه قواعدی برای حمایت از محیط زیست حاکم است و آیا این قواعد برای نیل به هدف حمایت و حفاظت از محیط زیست از تخریب‌ها و آسیب‌ها کافی هستند؟ البته به دلیل وجود بحث مسوولیت بین‌المللی که به دنبال جرم‌انگاری متوجه اشخاص حقوق می‌گردد موانعی بر سر راه حمایت کیفری از محیط زیست وجود دارد که به آنها نیز پرداخته می‌شود.

علیزاده شریفی (۱۳۸۹) با همکاران خود در پژوهشی در قالب پایان‌نامه به موضوع مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی تخریب محیط زیست در حقوق ایران و اسناد بین‌الملل پرداخته و اینگونه نتیجه‌گیری شده که: هدف



این پایان نامه پژوهشی است بر مبنای مسئولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست در حقوق ایران و اسناد بین الملل، تا بر اساس راهکارهای مسئولیت مدنی بتوان از تخریب منابع زیست محیطی جلوگیری نموده و در موارد اعمال تخریبی با استناد به آن از راهکارهای مسئولیت مدنی جبران خسارت مناسب و یا در صورت امکان اعاده به وضع سابق را فراهم نماییم. بر همین منوال با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و سایت های اینترنتی، منابع لازم گردآوری شده و با روش تحلیلی - توصیفی به بررسی موضوع پرداخته شده است. نهایتاً چنین نتیجه می گیریم که، مسئولیت مدنی تخریب محیط زیست علاوه بر نقش بازدارندگی نقشی اساسی در جبران خسارات و اعاده وضع به حالت سابق را ایفا می نماید؛ و چون راهکاری نو در طرح مباحث حقوقی در نظم کنونی حقوق زیست محیطی محسوب می شود، در پی ارائه نظریات و راهکارهای نو می باشد، تا بتواند بخش کوچکی از خلاء موجود در نظام مسئولیت مدنی ناشی از تخریب منابع زیست محیطی جامع ما را بیان نموده و امکان استفاده دانشجویان و ادارات و مراجع ذیربط را در عرصه حقوق زیست محیطی را فراهم نماید.

جرایم زیست محیطی

جرم زیست محیطی هر نوع فعلی یا ترک فعلی را گویند که باعث ورود آسیب و صدمه شدید به محیط زیست و به خطر افتادن جدی و سلامت بشر می شود (آریا، ۱۳۹۳، ۳۴۴). حقوق محیط زیست و منابع طبیعی به واسطه ارتباط تنگاتنگ با علوم و تکنولوژی عمیقاً تحت تاثیر آنها قرار گرفته و به همین علت درک مسایل آن مستلزم اطلاعات اولیه در محیط زیست است. در حقیقت در حقوق محیط زیست از یک سری نوآوری بدیع سود جسته و به همین سبب خود را عندالزوم با تکنیک های جدید تطبیق می دهد و قوانین و مقررات نظارتی در زمینه حفظ محیط زیست و منابع طبیعی به شکل دستورهای تکنیکی و در قالب یک سری استانداردهای خاص بیان می گردد. با توجه به مفهوم رایج و متداول محیط زیست که بیان کننده کلیه فعالیت ها و رابطه متقابل بین انواع موجودات زنده از جمله انسان با محیط پیرامونشان می باشد این نتیجه حاصل می گردد که حقوق محیط زیست علاوه بر تحت پوشش قرار دادن تمام رشته های مختلف حقوق کلاسیک شامل حقوق خصوصی. حقوق عمومی. حقوق بین الملل و آن قسمت از حقوق را که سعی دارد مفهوم محیط زیست را در تمامی قسمتهای حقوقی وارد کند را نیز در بر می گیرد. به همین دلیل حقوق کیفری محیط زیست جزئی با کلی شامل بخشهای متعدد از مقرراتی می شود که یا با ملاکها و محک های تاسیس و یا با محک های مادی و تعریف محیط زیست تاکید دارند. (بهرامی و فهیمی، ۱۳۹۶، ۲۲۱).



تعریف آلودگی محیط زیست

اصطلاح آلودگی مشتق از کلمه یونانی پلوتوس است که از معنای ناپاکی گرفته شده است (آندراس و وولکر، ۲۰۰۹). بنابراین، منظور از آلودگی عبارت است از فرآیندی که باعث افزودن مواد مضر یا کثیف به زمین، هوا، آب، محیط و غیره شده، به طوری که برای استفاده بهینه نامطلوب باشد. اصطلاح آلودگی و یا خسارت آلودگی، اغلب به جای خسارات زیست محیطی استفاده می‌شود، اما می‌تواند مفهوم گسترده‌تری داشته باشد صدمه به محیط زیست در اسناد حقوقی محیط زیست تعریف شده است و شامل همه عوارض جانبی به انسان، مصنوعات او و محیط زیست است. تغییرات منفی در محیط زیست به علاوه چیزهای خطرناک یا زیان آور، یک تعریف ساده از آلودگی است. در اصول اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ و اعلامیه ریو ۱۹۹۲ تنها اشاره شده است که به منظور حفاظت از محیط زیست باید از «آلودگی» جلوگیری شود، اما هیچ تعریف صریح و روشنی از آلودگی ارائه نشده است. مطابق تعریف EPA «آلودگی» حضور یک ماده در محیط زیست می‌باشد به دلیل این که ترکیبات شیمیایی یا کیفیت مانع کارکرد فرآیندهای طبیعی است و اثرات محیط زیستی و بهداشتی نامطلوبی را ایجاد می‌کند.

مطابق قانون هوای پاک به عنوان مثال این اصطلاح تغییرات فیزیکی، بیولوژیکی، شیمیایی، تمامیت رادیولوژیکی آب و سایر رسانه‌های ساخته دست انسان یا ناشی از انسان تعریف شده است. بر اساس سیستم قطع نامه حل و فصل اختلافات در ژاپن آلودگی زیست محیطی شامل موارد زیر است:

۱- در میان تداخل با حفاظت محیط زیستی، آلودگی هوا، آلودگی آب (شامل)، آلودگی خاک، صوت، ارتعاشات، نشست زمین به استثنای نشست ناشی از حفاری زمین می‌باشد و بوهای نامطبوع، آلودگی زیست محیطی تعریف می‌گردد.

۲- موثر بر مناطق گسترده

۳- ناشی از کسب و کار و سایر فعالیت‌های انسانی

۴- سبب آسیب به سلامت انسان یا محیط زیست می‌شود و ارتباط نزدیکی با سلامت انسان و نیز گیاهان و جانوران دارد که مرتبط با زندگی انسان و غیره هستند (هدمان، ۲۰۱۲).

حقوق محیط زیست دریایی، آلودگی را ورود مستقیم یا غیرمستقیم مواد یا انرژی به محیط زیست توسط انسان می‌داند که اثرات زیان بخش دارد یا ممکن است داشته باشد، به گونه‌ای که به منابع زنده و حیات آبزیان آسیب برساند، برای سلامت انسان خطر داشته باشد یا مانع استفاده‌های مشروع گردد.

در همین چارچوب، سازمان همکاری و اقتصادی توسعه آلودگی را این گونه تعریف می‌کند: «یا انرژی‌هایی به محیط زیست توسط انسان به طور مستقیم یا غیرمستقیم که در نتیجه اثرات زیان بار آنها بهداشت انسانی به خطر بیفتد، به منابع زنده و اکو سیستم آسیب برسد، امکانات را مختل کند و یا با دیگر



استفاده‌های مشروع از محیط زیست تداخل داشته باشد». از ویژگی‌های خاص این تعریف این است که آلودگی اثر مضر باید توسط انسان و با اضافه کردن مواد خطرناک به محیط طبیعی ایجاد شود. لذا آلودگی‌هایی موجب مسوولیت بین‌المللی دولت‌ها می‌گردد که منشأ انسانی داشته باشد. هم چنین آلودگی محیط زیست بر مبنای تعریف علمی عبارت است از «هر گونه تغییر در ویژگی‌های اجزای متشکل محیط به طوری که استفاده پیشین از آن‌ها ناممکن گردد و به طور مستقیم یا غیرمستقیم منافع و حیات موجودات زنده را به مخاطره اندازد» مطابق با تعریف دیگری آلودگی عبارت است از "تغییر نامطلوب در خواص فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیکی هوا، آب یا زمین" علاوه بر این در تعریف دیگری از آلودگی آمده است که "آلودگی زمانی ایجاد می‌شود که غلظت یک عامل شیمیایی در محیط، به اندازه‌ای باشد که باعث واکنش فیزیولوژیکی به وسیله موجودات زنده در نتیجه تغییرات بوم شناختی شود" بند ف ماده ۲ کنوانسیون نومیا برای حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست منطقه جنوب اقیانوس آرام، آلودگی را این چنین تعریف نموده است: معنای «آلودگی» توسط انسان، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، اضافه شدن مواد یا انرژی به محیط زیست دریایی (از جمله مصب) است که در نتیجه و یا به احتمال زیاد منجر به اثرات زیان‌بار به عنوان آسیب به منابع زندگی و حیات دریایی، خطرات برای سلامت بشر، مانعی برای فعالیت‌های دریایی از جمله ماهی‌گیری و دیگر استفاده‌های مشروع از دریا، اختلال در کیفیت استفاده از آب دریا و کاهش امکانات رفاهی معرفی شده است.

کنوانسیون منطقه‌ای حفاظت از دریای سرخ و خلیج عدن در بند ۳ ماده ۱ در تعریف آلودگی دریایی اعلام داشته است: «آلودگی توسط انسان، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، اضافه شدن مواد یا انرژی به محیط زیست دریایی است که اثرات زیان‌آوری را هم چون آسیب به منابع زنده، خطرات بازماندگی سلامت انسان به فعالیت‌های دریایی از جمله ماهی‌گیری، اختلال در کیفیت استفاده از آب دریا و کاهش امکانات رفاهی به دنبال دارد» پروتکل آمادگی، مقابله و همکاری به آلودگی حوادث توسط مواد خطرناک و مضر، ۲۰۰۰ در بند ۱ ماده ۲ در تعریف واقعه آلودگی این چنین اشعار می‌دارد: «وقوع یا مجموعه‌ای از وقوع با همان منشاء است، از جمله آتش سوزی و انفجار، که در نتیجه و یا ممکن است در نتیجه تخلیه، رهایی یا انتشار مواد خطرناک و سمی به وقوع بپیوندد و ممکن است تهدیدی برای محیط زیست دریایی و یا خط ساحلی یا منافع مربوط به یک یا چند کشور مطرح نماید، که اقدام اضطراری یا واکنش فوری مورد نیاز می‌باشد».

رویکرد حقوقی

عنصر مادی

رکنی که وجود آن برای تحقق جرائم تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست ضروری است، عنصر مادی است.



رفتار مرتکب

رفتار مرتکب ممکن است به شکل فعل و یا ترک فعل باشد. رکن مادی جرایم تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست شامل هر دو شکل رفتار مرتکب، یعنی فعل و ترک فعل است با این تفاوت که، جرم زیست محیطی ناشی از ترک فعل بسیار اندک است و عنصر مادی بیشتر این جرایم ناشی از فعل است.

فعل

رکن مادی بیشتر جرایم تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست ناشی از فعل (رفتار مثبت مادی) است. اعمالی مانند: آلوده کردن، توزیع کردن، ریختن، پخش و منتشر کردن، عرضه کردن، که در قوانین و مقررات مختلف مورد توجه قرار گرفته است.

در ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی، تمام مصادیقی که نام برده شده است حاکی از رکن مادی ناشی از فعل است مانند: آلوده کردن آب آشامیدنی، توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیربهداشتی فضولات انسانی، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه‌ها و زباله در خیابان‌ها.

به همین ترتیب اگر سایر قوانین و مقررات مربوط را مورد بررسی قرار دهیم، خواهیم دید که عنصر مادی بیشتر جرایم مورد بحث را رفتار فیزیکی مثبت تشکیل می‌دهد.

در قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا از استفاده کردن از وسایل نقلیه آلاینده، احداث کارگاه‌ها، نیروگاه‌ها و کارخانجات برخلاف ضوابط و یا اشتغال همراه با آلوده کردن محیط زیست، پخش و انتشار مواد آلاینده، سوزاندن و انباشتن زباله و نخاله و ایجاد صداهای آلاینده به عنوان جرایم تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست یاد شده است.

همچنین، در قانون حفاظت دریا و رودخانه‌های مرزی از آلودگی با مواد نفتی از آلوده کردن رودخانه‌ها یاد شده است. که رکن مادی این جرایم که در مواد گوناگون این قوانین مورد توجه قرار گرفته‌اند، ناشی از فعل است.

ترک فعل

رکن مادی جرایم تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست در موارد اندکی رفتار منفی یا ترک فعل است. یکی از قوانینی که از تحقیق جرم زیست محیطی ناشی از ترک فعل سخن گفته است، قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا است. در ماده ۵ این قانون نگرفتن گواهینامه مخصوص مربوط به رعایت حد مجاز خروجی آلاینده‌های هوا، در ماده ۷ رعایت نکردن محدودیت و یا ممنوعیت موقت زمانی، مکانی و نوعی برای منابع آلوده کننده، جرم تلقی شده است.

با در نظر گرفتن نوع جرایمی که در مواد ۵ و ۷ قانون یاد شده در ارتباط با جرم زیست محیطی ناشی از ترک فعل مطرح شده است (که نمونه‌های دیگر نیز مشابه همین موارد هستند)، و نیز جرایم ناشی از فعل



که در قسمت قبل مورد بررسی قرار گرفت این نتیجه حاصل می‌شود که، اصولاً آن چه سبب ورود خسارت به محیط زیست می‌شود و آن را آلوده می‌کند اقدام اشخاص و یا به عبارت دیگر، رفتار مثبت مادی است نه ترک فعل.

موضوع جرم

بخش دیگری که در عنصر مادی جرایم تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست مانند دیگر جرایم وجود دارد، موضوع جرم است. هر چند جرایم زیست محیطی دارای یک مفهوم عام و کلی جرم آلودگی محیط زیست هستند، اما از آن جا که هر کدام از آنها یک یا چند مورد از ابعاد و اجزای گوناگون محیط زیست را شامل می‌شوند، بنابراین موضوع هر یک از آنها نیز در اجزا با یکدیگر متفاوت خواهد بود، مانند ایجاد آب، هوا، خاک و صوت.

در ماده ۲۲ قانون نحوه جلوگیری هوا آمده است: «پخش و انتشار هر نوع مواد آلوده کننده هوا بیش از حد مجاز از منابع تجاری، خانگی و متفرقه در هوای آزاد ممنوع است».

به این ترتیب مشخص می‌شود که موضوع این جرم، آلودگی هوا بیش از حد مجاز است. شخصی که موجب پخش و یا منتشر شدن موادی می‌شود که آلودگی هوا را به دنبال بیاورد و این آلودگی نیز از میزان مجاز بیشتر باشد، مرتکب یک جرم زیست محیطی در رهگذر آلودگی هوا شده است. بدیهی است بر طبق قسمت دوم این ماده، حد مجاز موضوع آن، توسط سازمان حفاظت محیط زیست تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

در ماده ۲۴ این قانون آمده است: «سوزاندن و انباشتن زباله‌های شهری و خانگی و هر گونه نخاله در معابر عمومی و فضای باز ممنوع است». براساس این ماده آن چه که موضوع این جرم را تشکیل می‌دهد آن است. که زباله شهری و خانگی و نخاله در فضای باز و معابر عمومی مانند کوچه و خیابان سوزانده شده و یا انباشته شود و به این ترتیب محیط زیست با آلودگی روبرو شود. پس انباشتن و یا سوزاندن زباله و نخاله در فضایی که به آسانی قابل انتشار و پخش شدن و گسترش یافتن است، به منزله تحقق جرم زیست محیطی است.

همچنین، از عبارت این ماده می‌توان استفاده کرد که اگر زباله و نخاله در مکان عمومی و فضای باز قرار نگیرد، مانند آن که در دورن محیط بسته منزل یا محیط کارگاه باشد، و یا آن که سوزانده و یا گردآوری نشود، موضوع این جرم تحقق نیافته است. پس درباره این جرم زیست محیطی و موضوع آن چند نکته وجود دارد که عبارتند از

۱- انباشتن یا سوزاندن زباله

۲- انباشتن و یا سوزاندن نخاله

۳- انباشتن و یا آتش زدن زباله و یا نخاله در فضای باز



۴- آتش زدن و یا انباشتن نخاله و یا زباله در معابر عمومی.

موضوع دیگری که در زمره جرایم زیست محیطی مطرح است، آلودگی صوتی است. این جرم موضوع ماده قانون یاد شده در بالاست. در این ماده آمده است: «ایجاد هر گونه آلودگی صوتی بیش از حد مجاز ممنوع می‌باشد». به این ترتیب، به وجود آوردن هر گونه آلودگی صوتی که بیشتر از حد مجازی باشد که در آیین نامه مربوطه پیش‌بینی می‌شود، جرم خواهد بود. بنابراین، موضوع این جرم نوع خاصی از آلودگی صوتی نیست. یعنی این آلودگی صوتی می‌تواند ناشی از وسایل و دستگاه‌های موجود در کارگاه‌ها و کارخانجات باشد، و می‌تواند راه‌های دیگر پدید آید. همچنین باید فراتر از میزانی باشد که مجاز شمرده شده است. پس آن چه که در رابطه با موضوع این جرم است عبارت است،

۱- وقوع آلاینده‌گی صوتی

۲- شکال مختلف آلاینده‌گی صوتی

۳- رعایت نکردن حد مجاز.

در ماده ۴۶ قانون توزیع عادلانه آب آمده است: «آلوده ساختن آب ممنوع است» در این ماده آلوده کردن به طور س موضوع این ماده و جرم زیست محیطی مورد نظر آن، آلوده کردن آب است خواه این آب به مصارف شهری و یا صنعتی، معدنی، دامداری و مانند آن برسد. یعنی نوع مصرف آن مورد توجه نیست و مطلق آب و مصارف گوناگون آن مد نظر است. هم چنین، طریقه ایجاد این آلودگی ملاک نیست و می‌تواند از هر راهی به وجود آید.

بر طبق بند ز ماده ۶ قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان، عبارت نخست این ماده، اگر عبور شناور خارجی منتهی به پیدایش هر گونه آلودگی محیط زیست دریایی شود و مقررات جمهوری اسلامی ایران در این زمینه رعایت نشده باشد، جرم زیست محیطی تحقق پیدا کرده است. عبارت قانونی آن چنین است: «ایجاد هر گونه آلودگی محیط زیست دریایی برخلاف مقررات جمهوری اسلامی ایران». بنابراین، موضوع این جرم آلودگی محیط زیست دریایی است که به هر شکل و مغایر با ضوابط و مقررات ایران پدید آمده باشد. این که چه چیزی سبب این آلودگی شود و از چه راه این آلودگی به وجود آید، تفاوتی ندارد. این آلودگی می‌تواند ناشی از مواد سوختنی مانند نفت باشد و یا می‌تواند ناشی از مواد سمی، شیمیایی و حتی هسته‌ای و رادیواکتیو باشد. به علاوه، این آلودگی باید ناقض مقررات جاری کشور باشد.

به این ترتیب نکات قابل توجه درباره موضوع جرم عبارتند از:

۱- این آلودگی از سوی شناور خارجی به وجود آید.

۲- شناور خارجی موجب آلودگی محیط زیست دریایی شود (در این جا مجموع محیط زیست دریایی و عناصر موجود آن مورد توجه است نه بخش و یا جزیی از آن).



۳- شکل خاصی از آلودگی محیط زیست دریایی مورد نظر نیست، یعنی هر اقدامی که به گونه‌ای سلامتی و بهداشت محیط زیست دریایی را مخدوش کند و به نوعی به این بخش از اکوسیستم زیان وارد سازد، مشمول این جرم است.

۴- آلودگی ایجاد شده نباید مجاز و در چهارچوب مقررات مربوط باشد، زیرا در این صورت اقدام آلاینده را نمی‌توان بر طبق این ماده جرم و قابل تعقیب دانست.

وسيله ارتكاب جرم

یکی دیگر از اجزای رکن مادی جرم وسیله ارتکاب جرم است. در بیشتر جرایم تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست وسیله نقشی در وقوع آنها ندارد. به موجب ماده ۴۶ قانون توزیع عادلانه آب، آلوده کردن آب ممنوع است و این آلوده کردن می‌تواند از هر راه و به هر وسیله‌ای باشد، زیرا در این ماده هیچگونه اشاره‌ای به این موضوع که چگونه این آلودگی حاصل شود، نشده است.

در بند ۶ ماده ۶ قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان گفته شده است، که به وجود آوردن هر گونه آلودگی محیط زیست دریایی برخلاف مقررات جمهوری اسلامی ایران از سوی شناورهای خارجی جرم است و این آلودگی می‌تواند به هر طریقی ایجاد شود. آن چه اهمیت دارد وقوع آلودگی محیط زیست دریایی است و وسیله تأثیری در این موضوع ندارد.

بنابراین، این آلودگی می‌تواند به وسیله مواد نفتی ایجاد شود و یا با استفاده از مواد رادیواکتیو و مانند آن پدید آید.

در ماده ۲۷ قانون نحوه جلوگیری هوا ایجاد هر گونه آلودگی صوتی که بیشتر از حد مجاز باشد جرم دانسته شده است. آن چه که مورد توجه قانونگذار در این ماده قرار گرفته است. بروز آلودگی صوتی است، بدون توجه به آن که این آلودگی از چه طریقی به وجود آید. به این ترتیب این آلودگی صوتی می‌تواند از راه چگونگی استفاده از وسایل ارتباط جمعی پدید آید یا از راه استفاده از دستگاه‌ها و ابزارآلات صنعتی تحقق پیدا کند، بدون تردید نوع وسیله تأثیری در شکل‌گیری موضوع این جرم ندارد. همان طور که ملاحظه می‌شود در تحقق هیچ یک از جرایم یاد شده وسیله و نوع آن تأثیری ندارد و شکل‌گیری این جرایم مفید به استفاده از وسیله خاص نشده است.

در مقابل، مواردی نیز وجود دارد که مقنن وسیله را در تحقق جرم مؤثر دانسته است و همراه با موضوع جرم زیست محیطی، از وسیله‌ای که سبب وقوع آن جرم می‌شود نیز، سخن به میان آورده است. برای نمونه می‌توان به ماده ۲ قانون حفاظت دریا و رودخانه‌های مرزی از آلودگی با مواد نفتی اشاره کرد. در این ماده آلوده شدن رودخانه‌های مرزی و آب‌های داخلی و سرزمینی ایران به نفت و یا هر گونه مخلوط نفتی به وسیله کشتی‌ها، سکوها، حفاری، جزایر ثابت و شناور مصنوعی، لوله‌ها، تاسیسات و مخازن نفتی ممنوع



اعلام شده است. به این ترتیب مشاهده می‌شود که قانونگذار در این ماده هم از آلودگی محیط زیست سخن گفته و هم راه‌ها و وسایلی که این آلودگی را فراهم می‌کنند معین کرده است.

عنصر معنوی

عنصر معنوی جرایم علیه تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست شامل هر دو شکل عمدی و غیرعمدی است. برخی از جرایم عمدی و پاره‌ای دیگر غیرعمدی هستند، با این تفاوت که جرایم تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست در اغلب موارد عمدی هستند و در موارد اندکی در زمره جرایم غیرعمدی قرار می‌گیرند.

جرم عمدی

اکثر جرایم تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست عمدی هستند و همانطور که گفته شد برخی از آنها مقید و برخی دیگر مطلق هستند که هر یک از آنها جداگانه بررسی خواهد شد.

جرم عمدی مقید

برای تحقق یک جرم عمدی مقید، علاوه بر سوء نیت عام که به معنای اراده خود آگاه فرد در ارتکاب عمل مجرمانه و یا قصد ارتکاب عمل مادی فیزیکی است، به سوء نیت خاص که به معنی خواست مجرم به تحقق نتیجه مجرمانه و یا قصد رسیدن به نتیجه است. نیز، نیاز است. بنابراین وقتی یک جرم عمدی مقید تحقق پیدا می‌کند که هر دو بخش اصلی رکن معنوی آن یعنی سوء نیت عام و خاص وجود داشته باشد. پاره اندکی از جرایم علیه بهداشت عمومی و محیط زیست نیز این گونه هستند، یعنی جرم عمدی مقید هستند که تحقق آنها منوط به وجود و احراز هر دو قسم سوء نیتی که از آنها نام برده شده (عام و خاص)، خواهد بود. به عبارت دیگر، هم نیازمند قصد فعل هستند و هم به قصد نتیجه احتیاج دارند.

در بند دال ماده ۱۳ قانون شکار و صید آمده است: «مبادرت به اقداماتی که موجبات آلودگی آب دریای خزر و خلیج فارس و دریای عمان با مواد غیر نفتی را فراهم آورده و باعث مرگ و میر آبزیان یا به خطر افتادن محیط زیست آنان شود». در این جا صرف آلودگی آب دریای خزر و عمان و خلیج فارس ملاک نیست. بلکه باید این آلودگی که به وسیله مواد غیر نفتی ایجاد می‌شود، مرگ آبزیان این مناطق دریایی و به مخاطره افتادن محیط زیست این نقاط را نیز به دنبال داشته باشد. پس اگر این نتایج حاصل نشود باید گفت که در حقیقت جرم زیست محیطی مورد نظر این بند واقع نشده است.

در بند دال ماده ۱۲ قانون یاد شده نیز آمده است: «آلوده نمودن آب رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و تالاب‌های حفاظت شده، چشمه‌ها و آبشخورها به موادی که باعث آلودگی آب و از بین رفتن آبزیان شود». در این بند نیز، قانونگذار مجرد آلوده کردن بخشی از محیط زیست آبی مانند رودخانه‌ها و دریاچه‌ها را جرم ندانسته است، بلکه وقوع جرم زیست محیطی که قابلیت انطباق با این بند داشته باشد را، منوط به از بین



رفتن آبریان این مناطق، یا به عبارت دیگر، تحقق نتیجه مورد نظر کرده است. بنابراین، اگر شخصی موجب آلودگی این آب‌ها شود، از آن نظر که سبب آلودگی آب شده است و در حقیقت مرتکب یک جرم زیست محیطی شده است، بر طبق دیگر مقررات قانونی مربوط قابل تعقیب و مجازات خواهد بود اما وی را نمی‌توان به استناد این بند مجرم دانست و به کیفر رساند، زیرا جرم مورد نظر در این بند، یکی از جرایم زیست محیطی مقید است، یعنی باید نتیجه‌ای که مورد نظر است (مرگ آبریان) حاصل شود.

در ردیف ۶ بند ب ماده ۲۲ قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبرزی جمهوری اسلامی ایران چنین عنوان شده است «ایجاد هر گونه آلودگی یا انتشار بیماری‌های مسری و تخلیه فاضلاب‌های صنعتی و هر گونه مواد آلاینده که باعث خسارت به منابع آبرزی شود». همان گونه که ملاحظه می‌شود، تحقق جرم مورد نظر موکول به منابع آبرزی شود.

همان گونه که ملاحظه می‌شود، تحقق جرم مورد نظر موکول به وقوع خسارت است. اگر به وجود آوردن آلودگی‌های گوناگون در محیط زیست آبی و یا انتشار بیماری‌های سرایت‌کننده و واگیردار و ورود فاضلاب‌های صنعتی و سایر مواد آلوده‌کننده، منجر به بروز خسارت در منابع آبرزی مانند مرگ و میر آبریان نشود، این جرم محقق نشده است. و اگر به دنبال انجام این اقدامات آلاینده به منابع آبرزی زیان وارد شود، نتیجه مجرمانه مورد نظر این عبارت قانونی که جرمی مقید است نیز، واقع خواهد شد.

جرم عمدی مطلق

جرم عمدی مطلق جرمی است که برای تحقق یافتن آن تنها به وجود و احراز سوء نیت عام نیاز است و هنگامی که این قصد مجرمانه در شخص و جرم ارتكابی از سوی وی محرز شود، می‌توان او را به مجازات جرم واقع شده، محکوم کرد.

بیشتر جرایم تهدید علیه بهداشت و آلودگی محیط زیست عمدی و مطلق هستند و در این باره می‌توان به موارد زیادی اشاره کرد، اما در این جا تنها به ذکر برخی از این موارد بسنده می‌شود.

به موجب ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی، هر گونه اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود جرم است. خواه در نتیجه این اقدام به عناصر محیط زیست صدمه و زیان وارد شود و یا نشود.

جرم پخش و انتشار مواد آلوده‌کننده هوا، یکی دیگر از این جرایم است که، موضوع ماده ۲۲ قانون نحوه از آلودگی هوا است. ماده مذکور در این باره می‌گوید: «پخش و انتشار هر نوع مواد آلوده‌کننده هوا بیش از حد مجاز از منابع تجاری، خانگی و متفرقه در هوای آزاد ممنوع است».

بر مبنای این ماده، هنگامی که کسی به پخش و پراکنده کردن مواد آلاینده در فضای باز اقدام می‌کند، مرتکب این جرم شده است، چه در رهگذر انجام این فعل زیانی نیز پدید آید و چه زیانی حاصل نشود. به عبارت دیگر، تحقق این جرم موکول به وقوع خسارت نیست. بنابراین، هم این که شخص انجام این فعل



مادی (پخش و منتشر کردن مواد آلاینده) را مد نظر قرار می‌دهد و آن را تحقق می‌بخشد، سوء نیت عام (عمد در فعل) در نتیجه، جرم محقق شده است.

همچنین، در ماده دیگر این قانون یعنی ماده ۲۷، یکی دیگر از این سری جرایم مطرح شده است. جرم مطلق که در این ماده دیگر مورد توجه قرار گرفته، جرم آلودگی صوتی است. بر طبق این ماده، بر هر وسیله و با هر کیفیتی که آلودگی صوتی فراتر از حد مجاز به وجود آید، این جرم واقع شده است. این که فردی بخواهد بخواهد بیش از حد مجاز سر و صدا تولید کند (آلودگی صوتی) و به دنبال آن به خواسته خود جامه عمل بپوشاند. مرتکب این جرم زیست محیطی شده است، زیرا به موجب ماده مورد بحث، صرف ارتکاب اقدام آلاینده هوا جرم است و پیدایش یا به وجود نیامدن زیان ناشی از این اقدام، تأثیری در تحقیق و یا فقدان این جرم ندارد. بنابراین اعم از آن که بر اثر ایجاد آلودگی صوتی نتایج زیان بار نیز حاصل شود و یا چنین ثمره‌ای به وجود نیاید، جرم مورد نظر تحقق یافته است.

جرم زیست محیطی دیگری که می‌توان از آن نام برد جرم آلوده کردن بخشی از محیط زیست دریایی است.

در ابتدای ماده ۲ قانون حفاظت دریا و رودخانه‌های مرزی از آلودگی با مواد نفتی چنین عنوان شده است: آلوده کردن رودخانه‌های مرزی و آب‌های داخلی و دریایی سرزمینی ایران به نفت یا هر نوع مخلوط نفتی خواه متوسط کشتی‌ها و خواه توسط سکوها حفاری یا جزایر مصنوعی (اعم از ثابت و شناور) و خواه توسط لوله‌ها و تأسیسات و مخازن نفتی واقع در خشکی یا دریا ممنوع است.

موضوع این جرم آلوده کردن رودخانه‌های مرکزی و آب‌های داخلی دریایی سرزمین به نفت و یا مخلوطی نفتی است. یعنی پس از آن که فردی از هر راه و با هر وسیله‌ای که می‌تواند و در اختیار دارد محیط زیست آبی مورد نظر را با نفت و یا مخلوط نفت آلوده کند، این جرم زیست محیطی واقع شده است و به موجب این مقررات وی را می‌توان تحت تعقیب قرار داد. بنابراین، هم این که اراده شخص و قصد مجرمانه او دایر بر آلوده کند، این جرم زیست محیطی واقع شده است و به موجب این مقررات وی را می‌توان تحت تعقیب قرار داد. بنابراین، هم این که اراده شخص و قصد مجرمانه او دایر بر آلوده کردن آب رودخانه مرزی و یا آب‌های داخلی و دریایی سرزمینی واقعیت خارجی پیدا کند و صورت عملی به خود بگیرد، بدون توجه به آن که این اقدام آلاینده ره آورد زیانبار نیز داشته یا نداشته است، جرم مورد بحث تحقق پیدا کرده است.

جرم غیر عمدی

در قلمرو جرایم تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست موارد اندک و نادری وجود دارد که این جرم غیر عمدی و ناشی از بی احتیاطی، بی‌مبادلاتی و مانند آن است. برای نمونه، می‌توان از جرم زیست محیطی که در قسمت دوم ماده ۲ قانون حفاظت دریا و رودخانه‌های مرزی از آلودگی با مواد نفتی مطرح



شده است؛ نام برد. در این بخش از ماده یاد شده آمده است: «در صورتی که آلودگی به واسطه بی مبالاتی یا بی احتیاطی واقع شود مجازات حداقل جزای نقدی مذکور است». بنابراین، بر طبق این ماده، آلوده کردن رودخانه‌های مرزی و آبهای داخلی و دریای سرزمینی به دو شکل ممکن است رخ دهد:

۱- به صورت عمدی، که موضوع قسمت اول این ماده است

۲- به صورت غیر عمدی که موضوع قسمت دوم این ماده است.

به این ترتیب، اگر شخصی بر اثر وجود یکی از عناصر تقصیر مانند بی احتیاطی، باعث آلودگی این بخش از محیط زیست دریایی که در این ماده مورد توجه قرار گرفته است؛ بشود، مرتکب یک جرم زیست محیطی غیر عمدی شده است. یعنی بدون آن که در انجام این کار و وقوع این آلودگی سوء نیتی داشته باشد. سبب بروز این معضل زیست محیطی شده است و چون مرتکب در انجام قصد مجرمانه نداشته است، به دلیل مقنن نیز کیفر چنین جرمی را تنها حداقل میزان جزای نقدی مقرر درباره مجرمی که به عمد مرتکب این جرم شده است، تعیین کرده است و کیفر حبس را نیز درباره وی مقرر نکرده است. همچنین، در بند ۶ ماده ۶ قانون مورد بحث به آلودگی غیر عمدی محیط زیست دریایی مورد نظر این قانون اشاره شده است و به همین دلیل نیز، مرتکب را از کیفرهای مقرر در ماده ۲ معاف دانسته است. در این بند آمده است: «آلودگی غیر عمدی که در نتیجه نشستی پیش‌بینی نشده و یا معلول خرابی و خلل اتفاقی کشتی و یا خطوط لوله و یا تأسیسات باشد مشروط بر آن که پس از وقوع اقدامات فوری به منظور جلوگیری و رفع آثار آن صورت گرفته باشد».

رویکرد فقهی

رویکرد فقهی جرم تخریب محیط زیست

تخریب بر وزن تفعلیل مصدر است و ریشه آن «خرب» به شمار می‌رود «خرب» به معنای معطل ماندن شیء از منفعت معنا کرده‌اند. در فرهنگ فارسی نیز خراب کردن را تباه کردن و ویران کردن معنا نموده‌اند. گاهی به جای تخریب از واژه آلودگی استفاده می‌شود. در حالی که آلودگی یکی از افراد تخریب به شمار می‌رود. فلذا آلودگی به معنای مالیدن چیزی به چیز دیگر معنی می‌دهد به طوری که اثری از آن در زمین بماند آمده استگاهی کثیف شدن، دین، وام، بدهکاری و تیرگی آب نیز به کار رفته است. برای تعریف آلودگی محیط زیست به تعریف زیر می‌توان استناد کرد. آلودگی محیط زیست عبارت است از هرگونه تغییر در ویژگی‌های اجزای متشکل محیط به طوری که استفاده پیشین از آنها مقدور نباشد و به طور مستقیم و غیرمستقیم منافع و حیات موجودات زنده را به مخاطره اندازد. (فهیمی، ۱۳۹۵). محیط واژه‌ای عربی و اسم فاعل از باب و ریشه «حوط» است به معنای احاطه کننده، مکان زندگی ادبی آمده است. زیست واژه‌ای فارسی و مترادف حیات و زندگی به شمار می‌رود. بنابراین محیط زیست از نظر لغوی به معنای محل زندگی، سکن و آنچه زندگی را در بر گرفته است. محیط زیست از نظر اصطلاحی عبارت است از «فضایی



با تمدن شرایط فیزیکی و بیولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و غیره که همه موجودات زیست کننده در آن‌ها را شامل می‌شود و در مجموعه روابط بین آنها را در بر می‌گیرد» البته هیچ تعریف جامعی که محیط زیست را به صورت جامعه و مانع تعریف کرده باشد وجود ندارد، بلکه در آن‌ها از محیط زیست در رابطه با سه عنصر طبیعت، منابع طبیعی و شهری و مناظر سخن گفته شده است. طبیعت از ماده «طبع» است. و برخی آن را مترادف محیط زیست می‌دانند. طبیعت از نظر لغوی به معنای فطرت، سرشت، ماده و جهان مادی آمده است. قدما آب، باد، خاک، آتش را «طبیعی» می‌گفته‌اند. محیط زیست در دو مفهوم بکار برده می‌شود یکی مفهومی که از علوم طبیعت ناشی می‌شود و تحت عنوان محیط زیست طبیعی معرفی شده و دیگری در تعامل با سازوکارهای انسانی است که با عنوان محیط زیست انسانی از آن نام برده می‌شود و هر دو عنوان فوق طیف گسترده‌ای از موضوعات مختلف را تحت پوشش خود دارد. محیط زیست به معنای عام شامل کل منابع طبیعی تجدید شونده شامل جنگلها، مراتع، منابع آبی و... بوده و طیف وسیع و گسترده‌ای از تعاریف تخصصی مربوطه را در بر می‌گیرد که همین امر در تفسیر ماهوی مربوطه به معنای قانونی محیط زیست اشکالهایی را به وجود آورده چرا که همین متن حقوقی محیط زیست را به صورت جامع و مانع تعریف نکرده است و قوانین موجود تعریفی از آن ارائه نداده‌اند بلکه در آن‌ها از محیط زیست در رابطه با سه عنصر طبیعت، منابع طبیعی، شهر و مناظر سخن گفته است که در این راستا می‌توان به برخی از قوانین و مقررات موضوعه مانند قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع کشور، قانون شکار و صید، قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا، قانون شهرداری و... اشاره نمود. بی تردید، خداوند بزرگ انسان را از خاک خلق کرده و روزی او را در زمین قرار داده است، بهره‌مندی‌های افراد گوناگون بشر از مواهب طبیعی از همین روی است. قوانین وضع شده نیز هیچکدام در پی مسدود کردن استفاده و بهره‌برداری از محیط زیست نیستند. بیگمان استفاده بی‌رویه و تخریب این مواهب ممنوع است و در قوانین وضع شده نیز استفاده غیرمتعارف از جنگل و مراتع، منع شده است. در قانون حفاظت محیط زیست و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع مصوب سال ۱۳۴۶ هم به حفاظت و هم به بهره‌برداری توجه شده است. این قانون نشان می‌دهد که هر نوع بهره‌برداری منع نشده است. طبق ماده ۴۴ قانون یاد شده چرانیدن بدون اخذ پروانه در مناطق قرق شده ممنوع اعلام شده است (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۹۶: ۵).

اصول و قواعد فقهی

باتوجه به اهمیتی که وقوع ضرر و زیان در محیط زیست انسان‌ها و موجودات جاندار دارد و می‌باید در بحث جرایم زیست محیطی، با دقت و جدیت بیشتر، عامل زیان را مسئول شناخت، به نظر می‌رسد که بتوان با استعانت از نصوص فقهی برای عامل زیان، مسئولیت مطلق در نظر گرفت، نصوص و اقوالی که ما را در ارائه این بحث و رسیدن به نظر یاری می‌نماید به شرح زیر است:



در حقوق اسلامی، همین اندازه که در نظر عرف بتوان اضرار ناروایی را به کسی نسبت داد، او ضامن جبران خسارت می‌شود و در این راه وضع روانی و جسمی این عامل سهم ناچیزی دارد، حتی در جایی که مبنای ضمان تقصیر است، این مفهوم جنبه نوعی دارد و معیار داوری درباره آن، نظر عرف است. چنان که هرگاه امین مرتکب عملی شود که در نظر عرف، تفریط به حساب آید، مسئولیت پیدا می‌کند. حقوق دانان اسلامی در همه مسائل از یک اصل واحد پیروی نکرده‌اند. مثلاً در تسبیب به طور معمول برای ایجاد ضمان، لازم است که شخص کاری ناشایسته انجام داده باشد که دیگر اثبات هیچ تقصیری برای تحقق آن ضرورت ندارد.

این اختلاف‌ها نشان می‌دهد که در زمینه مسئولیت مدنی، فقها به اجرای عدالت واقعی و رعایت انصاف بیش از احترام به اصل و منطق توجه داشته‌اند. ضرورت دارد که مبنای مسئولیت را به طور مطلق تقصیر شخص بدانیم و همه روابط اجتماعی را برپایه این اصل بررسی کنیم. یا چه اجباری است که به کلی، همه تقصیر و اثر آن را منکر شویم و بنا را بر احراز رابطه مادی بین فعل شخص و زیان وارد شده بگذریم (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۱۰۲).

در این راستا سکونی طبق روایتی از امام صادق (ع) نقل می‌نماید که:

"کان امیرالمؤمنین (ع) یضمن الصباغ و القصار و الصائغ احتیاطاً علی امتعه الناس و کان لایضمن من الغرق و الحرق و الشیء الغالب".

"علی (ع) رنگ رز، گازر و ریخته گر را به دلیل احتیاط در احترام به کالاهای مردم، ضامن می‌شناخت، مگر آن که تلف در نتیجه غرق، آتش سوزی و امر غالب باشد".

از این روایت استفاده می‌شود که جز به تلف سماوی مسئولیت گروهی از پیشه وران، محض و مطلق است؛ یعنی نیاز به اثبات تقصیر نیست و حتی اثبات بی تقصیری (جز در حوادث قهری) محلی ندارد. از کلمه احتیاطاً در این روایت می‌توان استفاده کرد که علت صدور چنین حکمی به خاطر رعایت نظم عمومی و دقت در کارهای مردم بوده است که مسأله اهمیت محیط زیست از درجه اهمیت بالاتری نسبت به یک دست لباس سپرده شده برای رنگ‌رزی دارد.

روایت دیگری که در این زمینه می‌توان استفاده کرد این است که باز امام صادق (ع) می‌فرمایند:

"کان علی (ع) یضمن القصار و الصائغ، یحتاط به علی اموال الناس".

علی (ع) گازر و صنعت گر را به خاطر احترام نسبت به اموال مردم ضامن می‌دانست. روایت بعدی را ابی الصباح از امام صادق (ع) نقل می‌نماید:

"سألت ابا عبد الله عن القصار هل علیه ضمان؟ فقال: نعم کل من یعطى الاجر لیصلح فیهو ضمان"

از امام (ع) پرسیدم در مورد گازر که آیا ضامن است یا خیر؟ فرمود: هرکسی که اجرتی برای کاری می‌گیرد تا اصلاح نماید ولی به جای اصلاح کار، آن را خراب می‌کند، ضامن است.



صرف نظر از این که این روایات در باب مسئولیت قراردادی یا قهری وارد شده است، بیان گر این هستند که گاهی از اوقات به خاطر اهمیت موضوع خسارت، شارع مسئولیت قطعی را پذیرفته است تا امور مردم سالم به انجام برسد. حال اگر زیان به محیط زیست را از نظر درجه اهمیت که با جان هزاران نفر سر و کار دارد کم تر از اهمیت ورود خسارت به لباس سپرده شده برای هنگام شست و شو، ندانیم، قائل شدن به مبنای مسئولیت مطلق، در مسئله حیاتی محیط زیست، دور از انصاف نیست. (موسوی، ۱۳۸۹، ۱۰۲).

قاعده اتلاف

بر اساس این نظریه شایع در فقه که به «قاعده اتلاف» شهرت دارد هر کس مال دیگری را تلف کند ضامن است. این نظریه به استناد حدیث مشهور «من اتلف مال الغير فهو له ضامن» شکل گرفته است. در این نظریه بعضی از فقیهان تمسک به آن را قاعده عقلایی و بدیهی شمرده‌اند. برای مثال نراقی در عناوین می‌گوید اثبات این که اتلاف موجب ضمان است، نیازی به بیان ادله ندارد. صاحب جواهر در این خصوص می‌گوید اگر این مطلب را ضروری ندانیم قطعاً اجماع منقول و محصل در مورد آن دلالت دارد. برخی فقیهان این نظریه را متن روایت نمی‌دانند بلکه آن را یک قاعده اصطیادی تلقی می‌نمایند (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۷). البته از عبارت علامه حلی که بیان می‌دارد «لقوله من اتلف ضمن» می‌توان برداشت نمود که این نظریه منصوص است و با عبارت «لقوله» آن را مستند به معصوم می‌نماید. از تقریرات مرحوم محقق داماد نیز چنین برمی‌آید که ایشان این قاعده را منصوص می‌دانند. در مقابل صاحب جواهر آن را قاعده مشهور در زبان فقها می‌نامد «الحديث المشتهر على السنة الفقهاء» پس بنابراین منصوص بودن آن را رد می‌نماید (نجفی، بی تا، ۱۱۷). در هر صورت نظریه اتلاف می‌تواند در مصادیق زیست محیطی و جبران خسارات وارده بر آن نقش مناسب و پررنگی را ایفا نماید. بر این اساس هرکس محیط زیست را تخریب نماید در برابر آن ضامن است. از جمله در مواردی که محیط زیست مال متعلق به مردم باشد، با توجه به این که در اتلاف، قصد شرط نیست بر این اساس می‌توان به مبنای مطلوب و ساده تری برای عاملین خسارت به محیط زیست دست یافت. لهذا بر اساس همین نظریه می‌توان اصل مشهور «آلوده کننده باید بپردازد» یا اصل «پرداخت توسط آلوده‌ساز» را توجیه نمود.

مهم‌ترین مستند قاعده اتلاف روایاتی است که متضمن مسئولیت شخصی است که غیرمستقیم موجب بروز خسارت گردیده است:

ابی‌الصلاح از امام صادق (ع) نقل می‌نماید که: کل من اضر بشی بطریق المسلمین فهو له ضامن. هرکس به واسطه چیزی به راه مسلمانان آسیبی برساند ضامن است.



قاعده تسبیب

بر اساس این نظریه، هرکس سبب خسارت یا تلف مال غیر شود باید از عهده خسارت وارده برآید. بنابراین در این نظریه، اثبات رابطه سببیت اهمیت ویژه‌ای دارد. علی‌رغم این که نظریه اتلاف تناسب بیشتری با اهداف حفاظت از محیط زیست دارد و می‌تواند به گونه‌ای حداکثری این وضعیت را تأمین نماید، لیکن باید از نظریه‌ای رقیب در فقه امامیه یاد کرد که ناظر به قاعده مشهور «تسبیب» است. در اینجا مشابه نظریه خطر یا مبتنی بر تقصیر؛ اسناد فعل به عامل زیان اهمیت دارد که از منظر آموزه‌های حقوق محیط زیست بسیار قابل انتقاد است. این نظریه که در حقوق کنونی بسیاری از کشورها نیز پذیرفته شده است، نظریه‌ای مناسب برای جبران کامل، سریع و مناسب خسارات حوزه محیط زیست نیست. چرا که در غالب موارد مربوط به خسارات زیست محیطی اسناد رابطه سببیت با دشواری‌های بسیار روبه‌رو است. فقهای امامیه نیز این نظریه را مورد نقد قرار داده‌اند. صاحب جواهر چنین قاعده‌ای را از روایات پراکنده قابل اصطیاد نمی‌داند و معتقد است موجب مسئولیت مدنی، اتلاف است نه تسبیب و در صورت فقدان اتلاف نیز؛ معیار و ضابطه، روایات متعددی است که تنها می‌توان با الغای خصوصیت، مسئولیت مدنی را به موارد مشابه سرایت داد. برخی از را مبنای مسئولیت قرار داده‌اند. «تحقق عرفی اتلاف» فقها نیز ضمن تصدیق منشأ اتلاف برای ضمان، صرفاً البته برخی از فقها نیز قاعده تسبیب را قاعده‌ای مستقل قلمداد نموده‌اند. برای مثال مرحوم بجنوردی در قاعده کلی «من اخرج میزاً» انصاف این است که از روایت «استقلال قاعده انصاف» ذکر نموده است که استظهار شود و آن قاعده این است که هر فعلی که از فاعل مختار صادر شود و آن فعل سبب ورود تلف در مال یا جان مسلمانان باشد و بین فعل و تلف، فعل فاعل عاقل از روی عمد و اختیار به طوری که نزد عرف و عقلاً تلف به او اسناد داده شده و فعل دیگری فاصله نشود، فاعل چنین سببی، ضامن است (شیرازی، ۱۴۱۱، ۵۲۱).

قاعده لاضرر

این نظریه که مبین مفاد حدیث لا ضرر است می‌گوید: در اسلام از طرف شارع هیچ حکم ضرری وضع نگردیده است. بر این اساس ضررزدن به دیگران نیز جایز نیست. لذا آلوده ساختن محیط زیست و تخریب و نابود کردن طبیعت و منابع طبیعی از روشن‌ترین نمونه‌های زیان زدن به دیگران (عموم و خصوص مردم) است که اسلام با قاطعیت آن را مردود شمرده است و از آن جا که ضرر به محیط زیست (حیات و مال شهروندان) نیز می‌تواند از مصادیق این حکم باشد به دلالت این قاعده می‌توان ضمان قهری صدمه‌زندگان به محیط زیست را از طریق نفی ضرر غیرمتدارک و ملازمه ضرر با جبران و هم چنین استفاده از شمول احکام عدمی، مورد مذاقه قرار داد. مرحوم مراغی سعی کرده است از طریق این حدیث مسئولیت مدنی را به اثبات برساند. در نظر ایشان روایات لا ضرر یک حکم دستوری را بیان کرده و دلالت بر نهی می‌کند؛



بنابراین اگر در خارج، ضرری واقع شود تنها حکم به صرف اضرار کفایت نمی‌کند، بلکه باید راهی برای دفع ضرر ارائه داد. فاضل تونی در این زمینه آورده است.

«... اگر انسانی، حیوانی را حبس کند تا بچه آن بمیرد در این مورد نمی‌توان به اصل برائت استناد نمود. بلکه این گونه موارد در روایت «لا ضرر و لا ضرار فی السلام» وارد می‌شود.

با این حال نظریه رقیبی نیز در فقه وجود دارد که تحت عنوان «قاعده تسلیط» مشهور است و ممکن است به نوعی با حفاظت محیط زیست بر مبنای قاعده لا ضرر در تراحم قرار گیرد. اما در حقوق محیط زیست در صورت تراحم قاعده لا ضرر با تسلیط، حکومت با قاعده لا ضرر خواهد بود.

خلاصه این که مبنای مسئولیت مدنی در فقه بر اساس قاعده لا ضرر استوار است و شارع اسلامی راضی به عدم جبران ضرر نبوده است و می‌توان چنین مسئولیتی را مسئولیت مطلق نامید، از آن باب که تا زمانی که بتوان بر اساس قاعده اتلاف زیان وارده را مطالبه نمود به این قاعده تمسک می‌شود و در صورت عدم صدق اسناد به خاطر وجود واسطه‌هایی در ورود ضرر، سراغ قاعده لا ضرر می‌رویم و اگر در برخی موارد از تسبیب سخنی گفته شده است، این بیان به معنی اعتقاد به مبنای تقصیر نیست، بلکه به خاطر کشف رابطه اسناد از تسبیب سخن گفته شده است، بنابراین محتوای قواعد فقهی حاکی از مسئولیت مطلق یا عینی برای عامل زیان می‌باشد. (طوسی، بی تا، ۶۸۸).

قاعده ضمان

مفاد این قاعده این است که، هر کسی که بر مال دیگری تسلط پیدا کند، به هر نحوی؛ ظلماً، جهلاً، امانتاً، احساناً، ضامن آن مال می‌شود و تا زمانی که آن را به صاحبش باز نگرداند، این ضمان از عهده‌اش ساقط نمی‌شود.

این قاعده، شامل موارد ذیل می‌شود:

- ۱- ید عدوانی و امانی که ید امانی، مادامی که امانی است، تخصیصاً خارج می‌شود؛
- ۲- ضمان منافع مستوفاه - منافی که از آن‌ها استفاده شده - و غیر مستوفاه.

مدرک قاعده

سیره عقلاء میان عقلاء مرسوم است که هر کس بر مال دیگری استیلا یافت، او را ضامن می‌دانند و این سیره، به علت عدم ردع شارع، حجیت دارد و امضاء شده است.

- نبوی مشهور

«علی الید، ما اخذت حتی تودیه»

اولین شخصی که این خبر را نقل کرده، «احسانی» در عوالی الثالی می‌باشد و سپس «محقق نوری» در مستدرک الوسائل به تبع «احسانی» نقل کرده است. در مورد سند این روایت دو احتمال وجود دارد: از



طرفی به نظر می‌رسد مصدر اولیه آن، کتب روایی اهل سنت می‌باشد. مثل سنن ابن ماجه، ابن داود و ترمذی، بدین علت که در هیچ یک از جوامع اولیه روایی شیعه ذکر نشده است و به همین علت شهرت روایی ندارد و چون مورد عمل قدماء نبوده است، شهرت فتوایی هم ندارد و نقل شیخ طوسی، ابن زهره، سید مرتضی هم احتمالاً در مقام احتجاج و الزام اهل سنت است. پس چون شهرتی در میان نیست، ضعف سندی آن قابلیت جبران را ندارد. ولی از طرف دیگر افرادی مثل ابن ادریس - که خبر واحد را حجت نمی‌دانند، بر آن اعتماد کرده‌اند و همین موجب حصول اطمینان به صدور این روایت می‌شود و عدم نقل در جوامع روایی شیعه هم شاید بدین جهت بوده که مفاد آن با قواعد مسلم بین عقلاء منافاتی نداشته است. از نظر دلالتی هم این روایت تمام است «ید» ظهور در مطلق ید دارد.

- تسالم فقهاء

ایشان بر این مطلب اتفاق نظر دارند که ید غاصب، ضامن است و تا زمانی که مال ماخوذه را باز گرداند؛ این تسالم نمی‌تواند مدرک قاعده باشد چون:

اولاً: تسالمی حجت است که شامل متقدمین هم بشود در حالی که این تسالم مربوط به متأخرین است. ثانیاً: تسالم در صورتی حجت است که مدرک انحصاری باشد، در حالی که در این مقام، سیره عقلاء هم وجود دارد و ممکن است این تسالم مستند به سیره عقلاء باشد.

ثالثاً: تسالم مذکور اخص از مدعی و مختص به «ید غاصب» است.

- ادله دال بر احترام مال مسلمان

مثل صحیحہ حلبی و صحیحہ محمد بن مسلم و صحیحہ ابن بصیر از امام صادق (علیه السلام): چون احترام مال مسلمان، مقتضی ضمان ید مستولی بر آن است.

- صحیحہ ابن اسامه زید شحام از امام صادق (علیه السلام)

ایراد این روایت این است که مربوط به حکم تکلیفی عدم جواز تصرف در مال غیر بدون رضایت اوست و بحث ما در قاعده، در مورد حکم وضعی ضمان است.

در نتیجه، سیره عقلاء و ادله دال بر احترام مال مسلمان - بنابر عدم اختصاص قاعده به حکم قبل از تلف - مستند قاعده ضمان الید می‌باشد (رضوی، ۱۴۱۲، ۲۲۷).

قاعده ضمان تعدی و تفریط

تعدی و تفریط دو عنوان شایعی است که فقیهان در مسائل ضمان قهری از آن استفاده کرده‌اند. بعضی از فقهاء از این دو عنوان تحت عبارت «قاعده الضمان بالتعدی و التفریط» یاد کرده‌اند. البته این بحث در فقه بیشتر در مورد مسئولیت «امین» مطرح گردیده است که در صورت تعدی و تفریط ضامن بوده هر چند تلف مستند به فعل او نباشد. قاعده تعدی و تفریط با قاعده اتلاف، تفاوتی اساسی دارد؛ یعنی مسئولیت در اینجا اعم است از مسئولیت باب اتلاف، حتی در موردی که شخصی از مال خود به گونه‌ای استفاده نماید که



موجب اضرار به غیر شود، می‌گویند در اینجا قاعده تعدی و تفریط جاری است. مانند جایی که کسی در خانه خودش آتش روشن نماید لیکن این آتش به خانه غیر سرایت نموده و خسارت وارد نماید. از موارد دیگر اعمال نظریه تعدی و تفریط، جایی است که کسی از مشترکات عمومی استفاده کند، مثلاً در استفاده از راه‌های عمومی یا پارک‌ها و فضاهای سبز، تعدی و تفریط نماید، ضامن خسارات وارده است (کاتوزیان، ۱۳۶۹، ۴۱۵).

نتیجه‌گیری

در بحث از جرم تخریب محیط زیست در حقوق ایران، مبنای جرم در حقوق ایران که برگرفته از فقه امامیه می‌باشد بیشتر بر جنبه عمومی جرم تاکید داشته و عنصر مادی جرم فعل مثبت می‌باشد که هیچ کدام از نظریه‌های مطروحه توان پاسخ‌گویی به خسارت‌های زیست محیطی را ندارد و جوهره قوانین ایران نیز حاکی از مسئولیت مطلق برای عامل زیان می‌باشد نه حاکی از مسئولیت مبتنی بر نظریه تقصیر و تصویب قانون جدید بیمه اجباری مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی بهترین شاهد بر این مدعی است. همان طور که در قانون بیشتر کشورهای اروپایی مسئولیت مدنی ناشی از خسارت‌های زیست محیطی را، مسئولیت مطلق دانسته‌اند. بر این اساس ایجاد تحول در قوانین زیست محیطی و تغییر نگرش در محاکم رسیدگی‌کننده به دعاوی زیست محیطی ضروری به نظر می‌رسد و از نظر فقهی و حقوقی ظرفیت مساعد برای ایجاد این تحول وجود دارد.

به نظر می‌رسد که مسئولیت مدنی سنتی که بر مبنای نظریه‌های سنتی مانند تقصیر و خطا استوار است پاسخگوی خسارت‌های زیست محیطی که در بسیاری از موارد باعث ایجاد خسارت‌های عمومی می‌شوند نیست چرا که در قواعد مسئولیت مدنی حقوق و اموال خصوصی مورد حمایت قرار گرفته است و برای حفاظت از حقوق عمومی زیست محیطی باید ساختار پیشگیری و جبران خسارت‌ها خاص در قوانین پیش‌بینی شود. همچنین تشکیل دادگاه تخصصی و آموزش قضات و دادرسان در درک مسائل زیست محیطی می‌تواند در جبران اینگونه خسارت‌ها تاثیر به سزایی داشته باشد.

آلودگی‌های محیط زیستی به دلیل افزایش بی‌رویه از این منبع و گسترش صنایع و تولیدات و پیشرفت تکنولوژی رو به فزونیست و زمانی که آلودگی در محیط زیست رخ می‌دهد امکان دارد افراد متعدد و بعضاً بی‌شماری از آن آسیب‌پذیرند که هر کدام از اینها می‌توانند جبران خسارات خود را از مسئول حادثه مطالبه نمایند. بنابراین در شمار زیان دیدگان علاوه بر دولتها و سازمانهای بین‌المللی، اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی نیز وجود دارند. لذا باید سیستمی تدارک شود تا این اشخاص نیز به راحتی به جبران خسارت ناائل گردند. همچنین درمورد طرح دعاوی در نظام‌های داخلی و دیوان بین‌المللی دادگستری با اختصار سخن رانیدیم و دانستیم نظام‌های حقوقی یکسان نیستند، برخی در زمینه محیط زیست بسیار قوی عمل می‌کنند و قواعد بسیار کارآمدی برای حفظ هر چه بیشتر حقوق زیان‌دیدگان دارند و در مقابل در



بسیاری از کشورها نظام قضایی در این زمینه پیشرفت چندانی نداشته و نیز به ایجاد قوانین برون مرزی احساس می‌شود. دانستیم دیوان بین‌المللی دادگستری که امکان رسیدگی به دعاوی میان دولت‌ها را فراهم می‌کند و اشخاص خصوصی امکان مراجعه به آن را ندارند، نیز در این زمینه چندان کارآمد نبوده و نیاز روز افزون به ایجاد یک مرجع تخصصی بین‌الملل محیط زیست به چشم می‌خورد تا حقوقدانان فارغ از مسائل تعارض قوانین و روند کند دادگاه‌های موجود بین‌المللی و قواعد نارسار و ناکافی داخلی کشورها، به مباحث تخصصی این قبیل دعاوی در دادگاه مخصوص پردازند.

قانون ایران در بحث جرم‌انگاری تخریب محیط زیست از اصل مهم قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها پیروی کرده است در نتیجه پایه و اساس این جرم را نیز به قانون واگذار کرده یعنی در صورتی عملی را جرم تخریب محیط زیست قلمداد کرده که قانون صراحتاً آن را جرم شناخته و مجازاتی مقرر کرده و به هیچ وجه در پی تفسیر قانون برای گسترش دامنه عملیات مرتکبین نبوده است.



فهرست منابع و مآخذ

- پارسا، محمد متین؛ علیزاده نجد، سمیه (۱۳۹۶)، چالش‌های حقوق کیفری ایران در راستای حفاظت از محیط زیست، دومین همایش ملی و تخصصی پژوهشهای محیط زیست ایران.
- صفایی، سید حسین (۱۳۹۵)، مقالات درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، تهران: نشر میزان.
- طحان‌پور، سمانه (۱۳۹۰) جرم‌انگاری تخریب محیط زیست در حقوق بین‌الملل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- علیزاده، شریف (۱۳۸۹)، مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی تخریب محیط زیست در حقوق ایران و اسناد بین‌الملل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- آریا، پارسا، (۱۳۹۳)، حقوق محیط زیست و توسعه پایدار، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.
- بهرامی احمدی، حمید و فهیمی، عزیزاله (۱۳۹۶)، مبنای مسئولیت مدنی زیست محیطی در فقه و حقوق ایران، دوره ۸، شماره ۲۶.
- فهیمی، عزیز الله، (۱۳۹۵) مسئولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست در فقه و حقوق ایران، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- تقی‌زاده انصاری، مصطفی، (۱۳۹۶). حقوق محیط زیست در ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- کاتوزیان، ناصر و انصاری مهدی، (۱۳۹۰)، مسئولیت ناشی از خسارت‌های زیست محیطی، فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- موسوی، سید فضل الله، (۱۳۸۹)، حقوق بین‌الملل محیط زیست، انتشارات میزان.

— Andreas Hasenclever and Volker Rittberger, Does Religion Make a Difference? (2009) Theoretical approaches to the impact of 29, No 3, 2009, pp. 643-646 Journal of International Studies, Vol. Faith on Political Context, Millennium.

— Hedman Susan (2012), Expressive Function of Criminal Sanctions in Environmental Law, 59GEO. WASH. L. REV. 889, 896.